

مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آبخیز کارون شمالی (استان چهارمحال و بختیاری)

علی اصغر نوروزی
عضو هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی

از ص ۱۶۱ تا ۱۷۵

چکیده:

استان چهارمحال و بختیاری، محدوده‌ای معادل یک درصد از مساحت ایران را در بر گرفته و منطبق بر حوضه آبریز شمالی رود کارون، یعنی یکی از مهمترین شریانهای حیاتی جنوب غربی کشور است. به دلایل متعدد، جایگاه این منطقه در مطالعات باستان‌شناسی کشور مورد غفلت قرار گرفته است. در این مقاله، نگارنده کوشیده است تا با نگاهی اجمالی به نتایج ارزشمند دو دهه فعالیت باستان‌شناسان ایرانی و خارجی در این منطقه اهمیت و جایگاه دستاوردهای مطالعاتی این عرصه را گوشزد نموده و با ارائه کلیاتی از دانسته‌ها و مسائل باستان‌شناسی توجه محققین، متخصصین و علاقه‌مندان باستان‌شناسی ایران را به این منطقه کمتر شناخته شده، معطوف نموده و آغازگر فصل جدیدی در پژوهش‌های علمی هدفمند به منظور مطالعه مراحل تکوین جوامع بشری در سرزمین کوهستانی چهارمحال و بختیاری باشد.

واژه‌های کلیدی: بررسی شناسایی، کارون، چهارمحال و بختیاری، پیش از تاریخ، تاریخی، اسلامی.

مقدمه:

جنوب غربی ایران، قلمرو ایلات و طوایف بزرگ کوچ‌نشینی است که به خاطر ساختار معیشتی و سیاسی و اجتماعی خود همواره از گروه‌های مقتدر و تأثیرگذار در اداره امور سیاسی کشور بوده‌اند. با کشف منابع سرشار نفت نیز شناخت و تسلط بر اقوام این مناطق از ابعاد سیاسی و اقتصادی برای دول استعمارگر اروپایی قرن نوزدهم اهمیت خاصی یافت. (بنگرید به گارثویت، ۱۳۷۵) اروپائینی که اولین تحقیقات قوم‌شناسی، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی را در این مناطق انجام دادند بیشتر مأمورین سیاسی و دیپلماتیک بودند. سر اوستین هنری لایارد، هاتم شنایدر، راولینسون، ایزابل پیشوب و لرد کرزن، محققینی از این دست بودند که از حدود نیمه قرن نوزدهم در نواحی بختیاری به تحقیق پرداختند. گزارشهای سراوستین هنری لایارد از آثار تاریخی نواحی بختیاری که حاصل دو سال (۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ میلادی) اقامت و همراهی وی با بختیاری‌هاست از اهمیت خاصی در مطالعات باستان‌شناختی آن برخوردار است. (لایارد، ۱۳۶۷ و امیری، ۱۳۷۱)

در نیمه اول قرن بیستم مطالعات باستان‌شناسی نواحی بختیاری محدود به خوزستان بود. هیچکدام از سیاحان و محققینی که از مناطق بختیاری مرتفع بازدید کرده‌اند، اشاره قابل توجهی به آثار تاریخی آن ندارند. جذابیت و غنای سرزمین وسیع خوزستان باعث شد تا باستان‌شناسانی که در این منطقه به مطالعه مشغول بودند مجالی برای پرداختن به مناطق مرتفع و کوهستانی شرق خوزستان و نواحی مجاور سرشاخه‌های اصلی کارون نیابند. سیمای طبیعی و آثار ملموس این منطقه نیز چنین رویکردی را موجه می‌نمود.

ظاهراً گمانه‌زنی تعیین حریم تپه باستانی اسکندری هفشجان واقع در جنوب شهرکرد که در سال ۱۳۴۷هـ.ش. توسط آقای جهانگیر یاسی از مرکز باستان‌شناسی ایران انجام شد، قدیمی‌ترین فعالیت باستان‌شناسی در این منطقه است (آرشیو مرکز باستان‌شناسی ایران) که متأسفانه گزارشی از آن در دست نیست.

جدی‌ترین مطالعات باستان‌شناسی محدوده چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۵۳هـ.ش. توسط آلن زاگارل و در مناطقی از شهرستان لردگان آغاز شد. در سال ۱۳۵۴ این مطالعات با انجام چند بررسی در مناطق لردگان، گندمان، بلداجی و شهرکرد و گمانه‌زنی در تپه باستانی مهم قلعه‌رستم و تپه گردچله‌گاه در محدوده شهرستان لردگان و به سرپرستی پروفیسور هانس نیسن و توسط آلن زاگارل از هیئت باستان‌شناسی آلمانی پیگیری شد. در خلال سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نیز بررسی کوتاه مدتی در دشت شهرکرد انجام و گمانه‌هایی نیز در تپه قلعه‌گلی لردگان (تصویر شماره ۱) حفر گردید. (Zagarell, 1975, 1982- Nissen and Zagarell, 1976)

مطالعات هیئت آلمانی که با تکیه بر دوران پیش از تاریخ انجام شد پرده از گذشته طولانی این منطقه برداشته و برای اولین بار مباحث باستان‌شناسی این منطقه را به محافل بین‌المللی کشانده است.

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷هـ.ش. باستان‌شناسی چهارمحال و بختیاری به مدت ۱۰ سال متوقف گردید.

با گمانه‌زنی تپه باستانی «گورگای تپه» در ۲ کیلومتری جنوب شهرکرد در سال ۱۳۶۷هـ.ش. به سرپرستی آقای جعفر مهرکیان از سازمان میراث فرهنگی کشور، مطالعات باستان‌شناسان ایرانی در چهارمحال و بختیاری مجدداً آغاز شد.

بعد از تشکیل اداره میراث فرهنگی استان، تحقیقات باستان‌شناسی استان با انسجام بیشتری دنبال شد و سرانجام با تشکیل تیم باستان‌شناسی بومی در این اداره، این فعالیت‌ها گسترش یافت. فهرست مطالعات سال ۱۳۶۷ به این سو در جدول شماره ۱ خلاصه شده است. مطالعات باستان‌شناسی هیئت آلمانی موجب ارائه اطلاعات سودمندی از گذشته منطقه چهارمحال و بختیاری گشته و برای اولین بار و به صورت جدی توجه مجامع باستان‌شناسی را به این منطقه مرتفع جلب نموده است. متأسفانه بررسی‌ها و کاوشهای شتابزده و اجمالی مناطق و مکانهای باستانی به همان نسبت از دقت این مطالعات کاسته و شاید به همین دلیل نتایج تفصیلی این مطالعات (مخصوصاً حفاری‌ها) هیچگاه منتشر نشده است. تحقیقات باستان‌شناسان ایرانی و از جمله نگارنده با دقت و وسواس بیشتری انجام شد. این مطالعات در چارچوب برنامه‌های پژوهشی مصوب و بررسی‌های کوتاه مدت و منفرد متعدد نتایج پرباری در پی داشت به طوری که با مقایسه کمی و کیفی آثار کشف شده با مطالعات هیئت آلمانی، دقت و فراگیر بودن این مطالعات بسیار واضح است. با این حال بررسی‌های باستان‌شناسی اخیر بیش از آنکه بررسی صرف علمی و موضوعی در حوزه مطالعات باستان‌شناسی باشد، کلی‌نگر و شناسایی محورند و گمانه‌زنی‌ها و کاوشهای انجام شده نیز بیشتر به منظور

تعیین حریم و عرصه اماکن باستانی انجام گرفته و اهداف پژوهشی آنها در درجه دوم اهمیت قرار داشته و یا به طور هم‌زمان با گمانه‌های کوچک مطالعاتی توأم بوده‌اند. با این حال، تعداد محدودی از این فعالیت‌های باستان‌شناختی کاملاً هدفمند و با دیدگاه‌های پژوهشی انجام شده‌اند.

ماحصل این مطالعات، کشف صدها تپه و محوطه باستانی در استان بوده و به ما کمک می‌کند تا با مجموعه دانسته‌هایمان به طرح برنامه‌های هدفمند پژوهشی آتی به منظور پاسخگویی به سؤالات اساسی باستان‌شناسی منطقه پردازیم.

روش تحقیق:

در این مقاله حاصل مطالعه و جمع‌بندی نتایج قریب دو دهه بررسی، گمانه‌زنی و کاوش باستان‌شناسی گروه‌های ایرانی و خارجی و دستاوردهای حدود ۱۰ سال فعالیت نگارنده در عرصه باستان‌شناسی محدوده استان چهارمحال و بختیاری است و بیش از آنکه به معدود کتب و مقالات منتشر شده در این حوزه وابسته باشد نتیجه مطالعات میدانی است که متأسفانه تاکنون توفیق انتشار نیافته‌اند. امید آن است که انتشار کلیاتی از باستان‌شناسی این منطقه، آغازی باشد برای انتشار نتایج تفصیلی مطالعات نگارنده و همکاران دانشمندی که نقشی در این مطالعات ایفا کرده‌اند.

آبخیز کارون شمالی:

حوضه آبخیز کارون شمالی، بخش بزرگی از سرشاخه‌های رودخانه کارون را دربر می‌گیرد. (نقشه شماره ۱) این حوضه تقریباً منطبق بر محدوده سیاسی استان چهارمحال و بختیاری با ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت است. در این منطقه به علت ویژگی‌های توپوگرافی، زمین‌شناسی و اقلیمی، رودخانه‌های بسیاری با آبدهی زیاد قرار دارند. این رودخانه‌ها معمولاً در راستای غربی - شرقی یا شرقی - غربی جریان داشته و رودخانه کارون از به هم پیوستن آنها تشکیل می‌شود و دارای جهت شمالی - جنوبی است. مهمترین رودخانه‌های این حوزه عبارتند از: بهشت آباد، کوه‌رنگ، سبزکوه، ونک، بازفت، منج (لردگان) و خرسان.

کوه‌های مرتفع، دره‌های ژرف و دشت‌های کوچک میان‌کوهی عمده‌ترین ویژگی‌های توپوگرافی این منطقه را تشکیل می‌دهد. شرایط متنوع اقلیمی، چشم‌اندازها و پوشش گیاهی و جانوری متنوعی را در این منطقه ایجاد کرده است. بیش از نیمی از جمعیت ۹۰۰۰۰۰ نفری این منطقه در شهرهای نوپای شرق منطقه هستند. و نیم دیگر یا در روستاها به کشاورزی و دامداری توأم مشغولند و یا همانند نیاکانشان به شیوه چند هزار ساله کوچ‌نشینی طول سال را به همراه دامهای خود در مراتع بیلاقی و قشلاقی سپری می‌کنند.

ادوار فرهنگی شناسایی شده :

الف) دوران پارینه‌سنگی (Palaeolithic):

تاکنون آثاری از دوره پارینه‌سنگی در این منطقه کشف نشده است. با در نظر داشتن شرایط اقلیمی و توپوگرافیک مناطقی که پذیرای اولین گروه‌های انسانی در پایان عصر یخبندان بوده‌اند فقدان آثار این دوران در این منطقه مرتفع دور از انتظار نیست. با این وجود مطالعات دوره پارینه سنگی ایران آن‌قدر فراگیر نبوده

است که بتوان با جمع‌بندی داده‌ها به تعمیم و تعیین محدوده‌های قطعی مورد استفاده انسان دوره مذکور پرداخت. چه بسا کشفیات آینده به طور کلی تفکر و تصور ما را در مورد این دوران دگرگون سازد. زاگارل از کشف ابزار سنگی دوره موسترتین در منطقه خانمیرزا خبر داده است. (Zagarell, 1974) در سالهای اخیر، تعدادی ابزار سنگی مشکوک به دوره پارینه‌سنگی در سطح منطقه به دست آمده است ولی مطالعه این یافته‌ها در مرحله‌ای نیست که قابل طرح در این مقاله باشد. در بررسی‌های منطقه ایذه در غرب چهارمحال و بختیاری (در محدوده استان خوزستان) نیز آثار این دوره شناسایی نشده است. (H.Wright, 1979)

ب) فرا پارینه‌سنگی و آغاز نوسنگی (Epi-Palaeolithic):

ابزارهای سنگی از نوع تیغه و ریزتیغه در غار گندمکار و در منطقه اردل توسط نگارنده حاکی از تعلق آنها به دوره فراپارینه سنگی و قابل مقایسه با فرهنگ ابزارسازی زارزیان در زاگرس و مشابه نمونه‌های مکشوفه از ایذه هستند. (نوروزی، ۱۳۷۴) تعدادی از ابزارهای مکشوفه نیز با نمونه‌های قدیمی‌تر (دوره بردوستین) در کردستان عراق و غرب ایران قابل مقایسه‌اند. (تصویر شماره ۲) نباید فراموش کرد که فرهنگ ابزارسازی این مناطق اصولاً در گروه زاگرس قرار نمی‌گیرند. (هول، ۱۳۷۸: ۳۰)

زاگارل در بررسی خود، تعدادی ابزار سنگی را از یکی از غارهای منطقه شهرکرد جمع‌آوری و مطالعه کرده است. وی تاریخ فراپارینه سنگی و آغاز نوسنگی را برای این ابزارها پیشنهاد کرده است (Zagarell, 1982)؛ فرانک هول این آثار را قدیمی‌تر از فراپادینه سنگی و آغاز نوسنگی و مربوط به اواخر نوسنگی را بدون سفال می‌داند. (هول، ۱۳۷۸: ۲۴) وجود گسستگی میان آثار فراپارینه سنگی و نوسنگی همانند سایر مناطق زاگرس و مخصوصاً غرب ایران در این منطقه نیز مشهود است. (هول، ۱۳۸۰: ۳۴) این وضعیت می‌تواند با محدودیت مطالعات تخصصی این دوره نیز مرتبط باشد. در خلال سالهای اخیر دهها غار در این استان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است، لیکن آثار قدیمی‌تر از نوسنگی در آنها شناسایی نشده است. باید در نظر داشته باشیم که در این محدوده زمانی علاوه بر غارها محوطه‌های واقع در فضاهای باز نیز توسط انسان مورد استفاده قرار گرفته است. انجام بررسی‌های پیمایشی دقیق در محدوده‌هایی که مستعد پذیرش انسان بوده‌اند می‌تواند دانسته‌های ما را از این دوره به طور قابل توجهی افزایش دهد.

دوره نوسنگی (Neolithic) (نقشه شماره ۲):

مطالعات هیئت باستان‌شناسی آلمانی، پیش از انقلاب اسلامی منجر به کشف ۶ محوطه دوران نوسنگی در مناطق لردگان و شهرکرد گردید. (Zagarell, 1982) مهمترین این مکانها تپه باستانی قلعه رستم در منطقه لردگان است. این تپه به عنوان یکی از مکانهای مهم و کلیدی در مطالعات دوره نوسنگی ایران مورد توجه قرار گرفته است. ابزارهای سنگی، سنگهای کوبنده و خرد کننده، دوک نخ‌ریسی و بقایای مواد غذایی به دست آمده و همچنین توانمندی‌های منطقه مجاور تپه، همه به حضور یک روستای اولیه با فعالیتهای دروگری، شکار و احتمالاً تولید غذا اشاره دارند. سفال منقوش قلعه رستم، استثنایی و بی نظیر است. (تصویر شماره ۳) متأسفانه گزارش کامل حفاری قلعه رستم منتشر نشده است.

در دهه اخیر، ۱۵ مکان مهم نوسنگی دیگر شناسایی شد که اغلب در دشتهای مناطق شرقی استان واقع

شده‌اند. از این میان، تپه باستانی گنبدک (سراب) در جنوب شهرکرد با بیش از یک هکتار وسعت، بزرگترین روستای نوسنگی این بخش از زاگرس است. گمانه‌زنی و لایه‌نگاری این تپه مهم در پاییز سال ۱۳۸۴ ه.ش. توسط نگارنده انجام گردید. مطالعه بقایای استقرار این محل، حاکی از وجود استقرار دوره نوسنگی بدون سفال در لایه‌های تحتانی است. با توجه به عدم کشف استقرار دوره نوسنگی بدون سفال در دشتهای کوهستانی جنوب زاگرس (هول، ۱۳۷۸: ۲۴) این مکان در نوع خود بی‌نظیر است. ابزارهای متعدد سنگی از نوع سنگ چخماق، چرت و مخصوصاً ابسیدین و پیکرک‌های گلی و ابزار استخوانی این تپه بسیار قابل توجه است. مطالعه و بررسی تخصصی در آثار این دوره می‌تواند افق جدیدی در مطالعات دوره نوسنگی زاگرس بگشاید. افزایش کمی و کیفی استقرارهای نوسنگی ما را به یافتن آثار قبل از نوسنگی، امیدوارتر می‌کند.

د) دوره مس سنگی: (Chalcolithic):

۱- مس سنگی قدیم:

ظاهراً بر خلاف روند افزایش استقرارهای نوسنگی، در آغاز دوره مس سنگی با کاهش چشمگیر استقرارها مواجه هستیم. این کاهش در استقرارها تا زمانی که لایه‌نگاری تپه‌های کلیدی دارای آثار نوسنگی و مس سنگی، انجام نشده باشد، قطعی نخواهد بود. عدم شناخت کافی ما از کمیّت و کیفیت آثار آستانه مس سنگی هرگونه اظهار نظر مبتنی بر بررسی‌های آماری و استقراری را به شدت سست و غیرعلمی خواهد ساخت.

۲- مس سنگی میانه:

افزایش فوق‌العاده تعداد استقرارها مشخصه مس سنگی میانه است. (نقشه شماره ۳) این افزایش در سایر مناطق جنوب غربی ایران نیز گزارش شده است. (هول، ۱۳۸۱، و علیزاده، ۱۳۷۱ و ۱۳۸۳) تاکنون حدود ۸۰ تپه و محوطه این دوره شناسایی شده است. استقرارهای نسبتاً بزرگ و استقرارهای کوچک اقماری می‌توانند نشانگر یک سلسله مراتب استقراری باشند. (Zagarell, 1982) شواهد باستان‌شناختی، حاکی از افزایش ارتباطات برون‌منطقه‌ای مخصوصاً با فارس و خوزستان است. استقرارهای این فاز در دشتهای مناطق شرقی استان گسترش یافته‌اند. با گمانه‌زنی، کاوش و لایه‌نگاری مکانهای کلیدی این فاز می‌توان طبقه‌بندی جدیدی بر مبنای شناسایی فازهای فرعی این دوره ارائه داد. از میان ۸۰ مکان شناسایی شده این مرحله، استقرارهای معدودی می‌توانسته‌اند در تمام طول سال مسکون بوده باشند. اغلب مکانهای شناسایی شده، بسیار کوچکند. پراکندگی مکانهای این دوره در حاشیه اراضی مردابی (تالابی) و مرغزارها بیشتر است.

۳- مس سنگی جدید:

بررسی‌های انجام شده، حاکی از تغییراتی در الگوهای استقراری در این مرحله است. (Zagarell, 1982 و نوروزی، ۱۳۷۴) نتیجه‌گیری‌های زاگارل در مورد وضعیت استقرارهای این دوره بسیار شتابزده است و بررسی‌های جدید، مباحث جدیدی را در مورد وضعیت استقرارهای این دوره مطرح می‌سازد. در این مرحله، ارتباطات بین منطقه‌ای با فلات مرکزی ایران گسترش یافته است ولی قسمتهای جنوبی کماکان از الگوهای منطقه فارس تبعیت می‌کنند. (نوروزی، ۱۳۷۴)

در بررسی دشت شهرکرد، تفاوت آشکاری در الگوهای استقراری دوره‌های نوسنگی و مراحل سه‌گانه مس سنگی مشهود نیست. از مجموع ۳۲ مکان با آثار مس سنگی این منطقه، ۱۴ مکان دارای آثار مس سنگی میانه

و ۱۷ مکان متعلق به دوره مس سنگی جدیدند. در مناطق استقرار، تغییر محسوس مشهود نیست؛ هرچند بیش از نیمی از استقرارهای مس سنگی جدید برای اولین بار ایجاد شده و تک‌دوره‌ای هستند. کاهش استقرارها در سایر مناطق، مشهود است. این کاهش نمی‌تواند ملاک کاهش جمعیت باشد. اتخاذ شیوه‌های جدید سکونت (نه استقرار) که می‌تواند بازتاب عوامل متعددی باشد، مقایسه‌های متکی بر کمیت استقرارها را تحت تأثیر قرار داده که ممکن است به نتیجه‌گیری‌های نادرستی منجر شود چرا که استقرارهای کوچک و یک دوره‌ای کم‌ارتفاع اغلب با رسوبات طبیعی پوشانده شده‌اند و تنها با حفاری قابل شناسایی‌اند. (همو، ۱۳۸۰: ۱۰)

در نیمه هزاره چهارم ق.م. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی با آرایش جدید ارتباطات منطقه‌ای و رشد کوچ‌نشینی روبه‌رو هستیم. ظاهراً در این مقطع ارتباط نواحی شمالی منطقه با فلات مرکزی افزایش یافته است. این در صورتی است که ارتباط نواحی جنوبی کماکان از الگوی فارس تبعیت می‌کنند. (همو، ۱۳۷۴)

هـ) دوران تاریخی :

پیش از تاریخ محوروبودن مطالعات باستان‌شناسی استان، عدم کاوش و گمانه‌زنی محوطه‌های باستانی دوران تاریخی و در نتیجه نداشتن معیار مشخصی در مطالعات آثار این دوران از یکسو و همچنین ایجاد تغییر اساسی در معیشت و الگوهای استقراری که با استقرار در محوطه‌های کم‌ارتفاع و یک دوره‌ای مختص جوامع کوچ‌نشین، از سویی دیگر ترسیم چشم انداز صحیحی از اوضاع این منطقه در آغاز دوران تاریخی را با مشکل اساسی مواجه کرده است. (نوروزی، ۱۳۸۰)

مدارک باستان‌شناختی، حاکی از ورود تدریجی گروه‌های مهاجر به این نواحی است و رپای مهاجرین از نواحی شمالی به سمت جنوب قابل پیگیری می‌باشد. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بخش‌های وسیعی از منطقه مشخصاً در محدوده حکومت ایلام قرار داشته‌اند. تمام مدارک دوره ایلام از نیمه جنوبی به دست آمده است و آثار قابل اثباتی از حضور ایلامیان در نواحی شمالی در دست نیست. ظاهراً در اواخر هزاره ۲ ق.م. این منطقه نقش مهمتری در تحولات سیاسی ایلام داشته است. کشف آجر نوشته‌ای به خط ایلامی (تصویر شماره ۴) از تپه باستانی قلعه گلی با حدود ۹ هکتار وسعت، حاکی از احداث یادمان یا بنایی مذهبی توسط هوتو لوتوش اینشوشیناک، پادشاه شوترکی ایلام میانه است. (نوروزی، ۱۳۸۲) یافته‌های باستان‌شناسی این دوره، محافل باستان‌شناسی جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

محوطه‌های بزرگ ایلامی منطقه مشخصاً مراکز اقتصادی، اداری و مذهبی جوامع کوچ‌نشین این مناطق بوده است. (نوروزی، ۱۳۸۴) به همین خاطر استقرارهای اقماری این محوطه‌های بزرگ بسیار اندک می‌باشند. حضور سفالینه‌های متفاوت و متعلق به اقوام مهاجر در طول هزاره اول ق.م. در استقرارهای این محوطه‌ها به خوبی، جانشینی فرهنگ جدیدی را متذکر می‌شوند که بی‌ارتباط با حضور پارسها و امتزاج آنها با ایلامیان نمی‌باشد. (Potts, 1999)

کشف محوطه‌های متعدد با تاریخ هزاره اول ق.م. در اکثر مناطق استان نشانگر افزایش جمعیت و رونق کوچ‌نشینی است. اکثر محوطه‌های مطالعه شده از این نوع یک دوره‌ای و فاقد معماری قابل توجهی می‌باشند. (نوروزی، ۱۳۸۱) گورستانهای بدون استقرار این دوره نیز مؤید گسترش اساسی این نوع معیشت است. ورود گروه‌های مهاجر متکی به دامپروری به یک منطقه مستعد دامپروری و همچنین ایجاد سیستم‌های حکومتی و کنترلی و ایجاد امنیت اجتماعی و سیاسی جوامع دامپرور و کوچ‌نشین رونق این نوع زندگی را در

پی داشته است.

همزمان با حکمرانی دودمان هخامنشی، پارتی (الیمایی) و ساسانی نیز وجود مراتع غنی، منطقه را به بیلاق (سکونتگاه تابستانه) مهم جوامع کوچ‌نشین تبدیل کرده است. ایل راههای باستانی - نقوش برجسته مجاور این راهها به اهمیت فوق‌العاده مسیرهای کوچ اشاره دارند. (مهرکیان، ۱۳۷۵: ۵۷) آثار حکومت محلی المیایی با شکوفایی این حکومت و دوران اسلامی در دوره اشکانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

و) دوران اسلامی:

منابع مدون قرون اولیه دوره اسلامی مانند مسعودی - ابوالفدا، ابن حوقل، اصطخری و دیگران نشانگر حضور گروههای متعدّد کوچ‌نشین در منطقه است. (لسترنج، ۱۳۶۷: ۲۲۰) آثار استقرار قرون اولیه اسلامی متعدّد، پراکنده و کوچکند. به دنبال هجوم اقوام ترک و مغول به منطقه و سپس در دوره حاکمیت اتابکان لر (۵۵۰ تا ۸۲۷ هـ.ق) کوچ‌نشینی و مخصوصاً کوچ‌های طولانی به شیوه بیلاق و قشلاق از گسترش زیادی برخوردار شد. اتابکان لر با ایجاد ثبات و امنیت در منطقه، اقدامات عمرانی متعدّدی انجام دادند که راههای مالرو، پل‌ها و کاروانسراهای متعدّد این دوره از مهمترین اقداماتشان است. دوران اتابکان شاخص‌ترین دوره اسلامی منطقه است. از همین رو آثار متعدّدی از این دوره در چهار محال و بختیاری شناسایی شده است. غلبه زندگی کوچ‌نشینی در تمام قرون اسلامی فقدان مراکز مهم یکجانشینی در منطقه را توجیه می‌کند. لردگان تنها شهر دوره اسلامی منطقه است که به کرات در منابع دوره اسلامی از آن به عنوان کرسی ولایت سردان مهمترین کانون یکجانشینی دوره اسلامی منطقه یاد شده است. در قرون متأخر اسلامی نیز این منطقه به لحاظ وجود مراتع و چمنزارهای وسیع و همچنین جمعیت عشایری همواره از ابعاد اقتصادی و سیاسی، مورد توجه حکومت‌های مرکزی بوده است. (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۲)

نتیجه‌گیری:

گروههای انسانی برای نخستین بار در پایان دوره پارینه سنگی وارد این منطقه شدند. این گروههای گردآورنده غذا سرانجام اولین استقرارها را در نواحی مستعد ایجاد کرده و وارد دوران روستانشینی و تولید غذا شدند. بعد از وقفه‌ای کوتاه در آغاز دوره مس سنگی که علت آن هنوز مبهم است در مرحله مس سنگی میانه، استقرارهای کوچک و بزرگ در سراسر این منطقه به وجود آمد که نشانگر افزایش جمعیت و رونق اقتصادی و پیشرفت‌های اجتماعی در این مقطع است.

در پایان این دوره و مصادف با ایجاد نخستین شهرها در نواحی پست، مردمان این منطقه با شیوه معیشتی متفاوت به جای شهرنشینی به کوچ‌نشینی توأم با دامداری و کشاورزی روی آوردند. اتخاذ این شیوه زندگی به دلایل مختلف اتفاق افتاد که از مهمترین مسائل پیش روی باستان‌شناسی جنوب غربی ایران است. به واسطه ساختار معیشتی و سیاسی و اجتماعی، کوچ‌نشینان از قدرت و نفوذ خاصی برخوردار شدند و با ورود به دوران تاریخی به یکی از ارکان مهم اتحادیه ایلام تبدیل و نقش مهمی در تحولات سیاسی جهان آن روز ایفا کردند. ورود کوچ‌نشینان و امتزاج آنها با ساکنین بومی بر رونق کوچ‌نشینی و نقش کوچ‌نشینان افزود. در طول دوران تاریخی و سپس اسلامی تغییری اساسی در الگوی معیشتی ساکنین این نواحی به وجود نیامد

و تا حدود نیم قرن پیش، کنترل سیاسی منطقه در دست اقوام کوچ‌نشین باقی ماند و یکجانشینان عملاً در خدمت کوچ‌نشینان بوده و کنترلی بر اوضاع سیاسی منطقه خود نداشتند.

مطالعه مراحل مختلف استقراری، الگوهای استقرار و عوامل مؤثر در اتخاذ شیوه‌های مختلف معیشتی و جایگاه سیاسی مردمان ساکن در این نواحی در تحولات سیاسی منطقه از مهمترین موضوعات فرا روی باستان‌شناسی چهارمحال و بختیاری است.

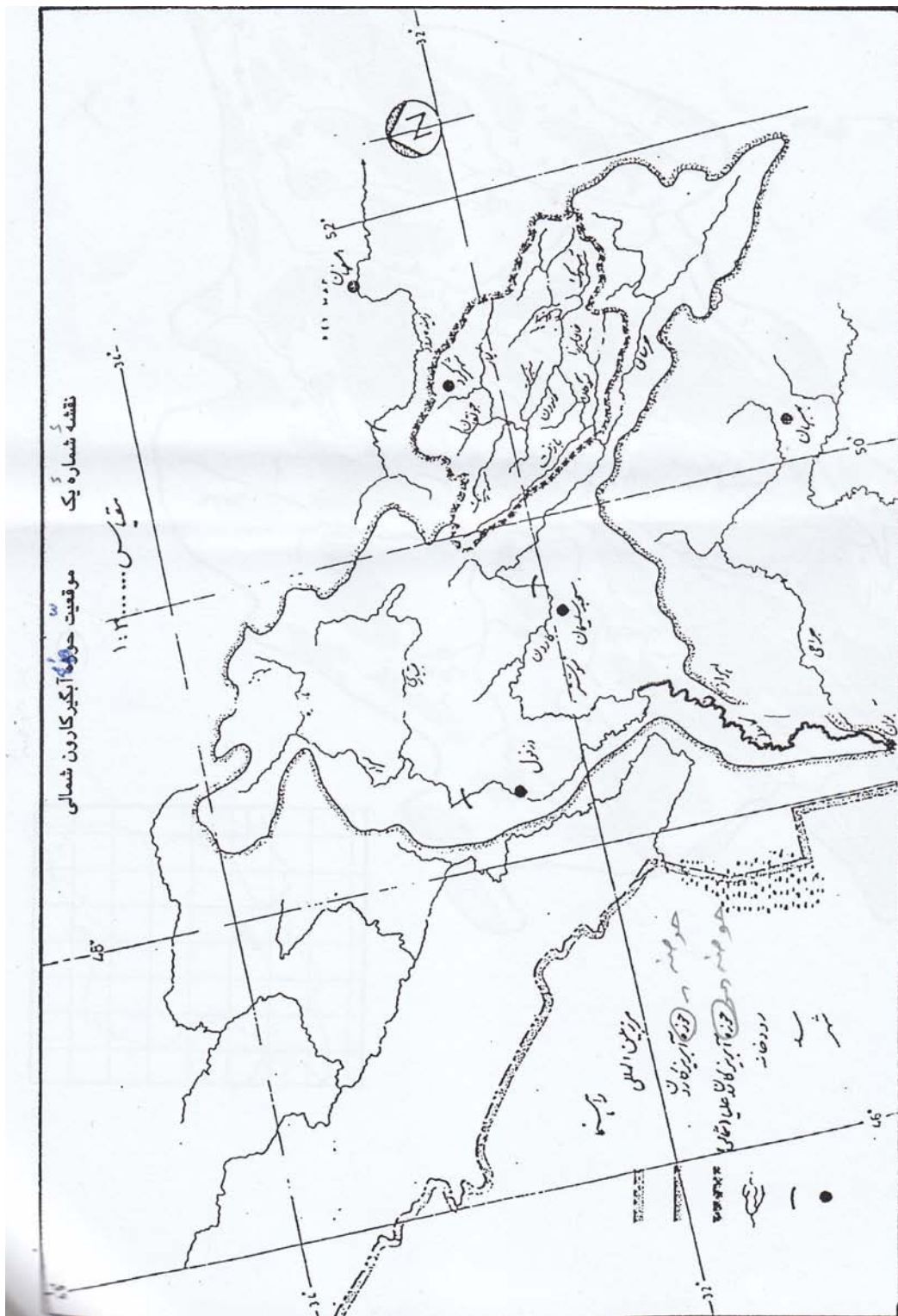
باستان‌شناسی چهارمحال و بختیاری، مدیون همه کسانی است که با عشق، علاقه و پشتکار با وجود سختی‌ها و دشواری‌های بسیار در سی سال گذشته کوشیده‌اند تا زوایای تاریک گذشته پر بار گوشه‌ای ناشناخته از کشور را به منظور معرفی و نگهداری بکاوند. نگارنده وظیفه خود می‌داند استان یکایکشان را (که مجال ذکر نامشان نیست) بوسه زند.

جدول شماره ۱: فهرست مطالعات باستان‌شناسی چهارمحال و بختیاری (تا سال ۱۳۸۵)

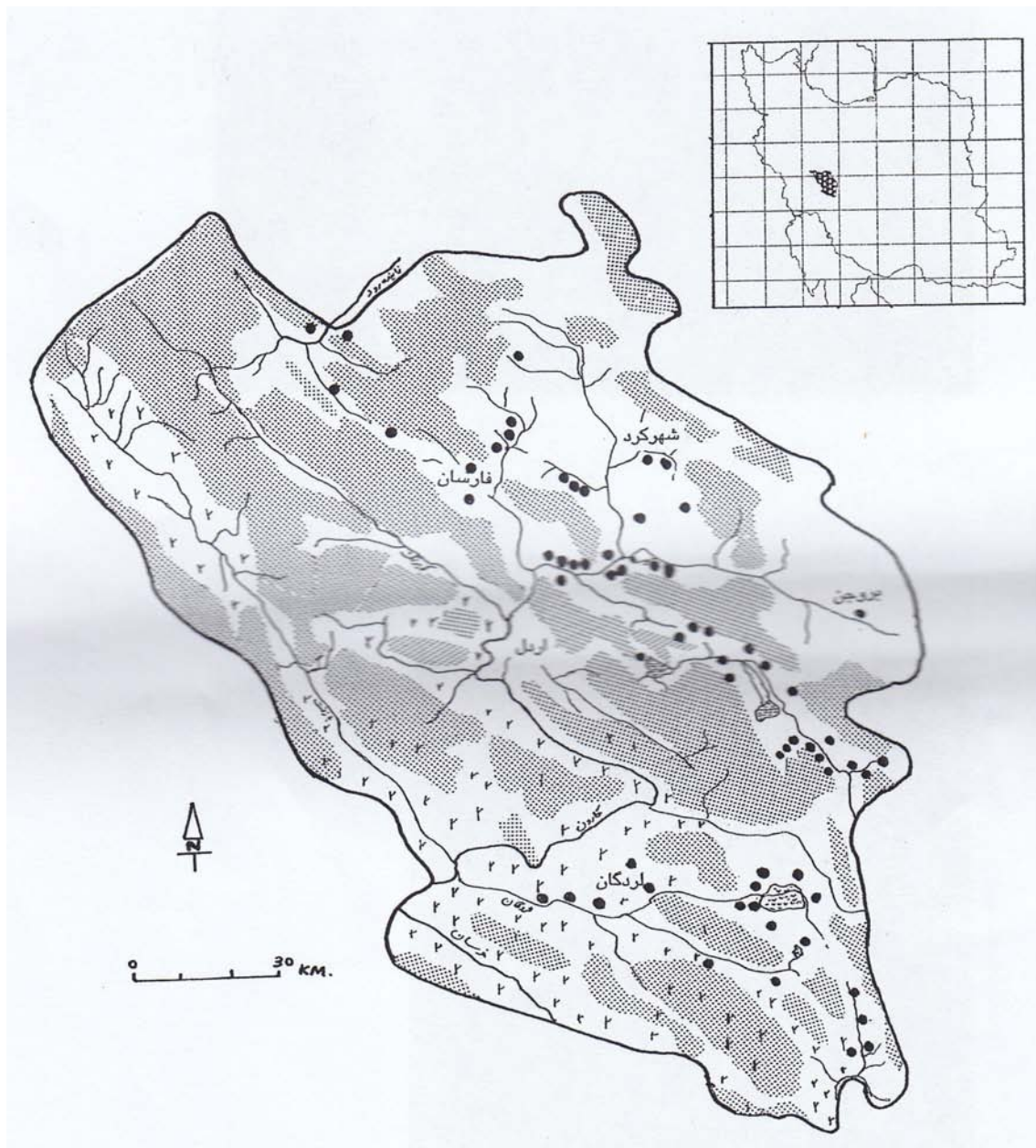
سریبست	قدمات	مکان	سال	نام پروژه	
جعفر مهرکیان	پیش از تاریخ	شهرکرد	۱۳۶۷	گمانه زنی گورگای تپه	۱
جعفر مهرکیان	تاریخی-اسلامی	بازفت	۱۳۶۹	بررسی بازفت	۲
بهمن کارگر	پیش از تاریخ	گندمان	۱۳۷۱	گمانه زنی تپه گندمان	۳
بهمن کارگر	پیش از تاریخ	لردگان	۱۳۷۲	گمانه زنی قلعه رستم	۴
بهمن کارگر	پیش از تاریخ	لردگان	۱۳۷۲	گمانه زنی تپه برجوبی	۵
جعفر مهرکیان	قرون میانه اسلامی	جونقان	۱۳۷۳	کاوش محوطه خانوی	۶
جعفر مهرکیان	قرون میانه اسلامی	لردگان	۱۳۷۳	گمانه زنی محوطه دشت آباد	۷
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ-تاریخی	کوه‌رنگ	۱۳۷۴	گمانه زنی تپه گردو سفلی	۸
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ-تاریخی	بلداجی	۱۳۷۵	گمانه زنی تپه‌های بلداجی	۹
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ-تاریخی	لردگان	۱۳۷۵	گمانه زنی تپه قلعه افغان	۱۰
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ تا اسلامی	بروجن	۷۵-۷۶	بررسی باستان‌شناسی بروجن	۱۱
جعفر مهرکیان	تاریخی - اسلامی	بازفت	۱۳۷۶	فصل دوم بررسی بازفت	۱۲
علی اصغر نوروزی	تاریخی	لردگان	۱۳۷۴	گمانه زنی تپه قنبری	۱۳
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ	شهرکرد	۱۳۷۸	بررسی بخش مرکزی شهرکرد	۱۴
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ	شهرکرد	۱۳۸۰	بررسی بخش کیار شهرکرد	۱۵
علی اصغر نوروزی	تاریخی	روستای سلم	۱۳۸۰	گمانه زنی تپه سلم	۱۶
علی اصغر نوروزی	تاریخی	بلداجی	۱۳۷۸	گمانه زنی محوطه سربند	۱۷
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ - تاریخی	بلداجی	۱۳۸۰	گمانه زنی محوطه بند بست	۱۸
جعفر مهرکیان	اسلامی	جونقان	۱۳۷۹	کاوش فصل ۲ خانوی	۱۹
علی اصغر نوروزی	تاریخی	جونقان	۱۳۸۰	گمانه زنی کیلی تل	۲۰
علی اصغر نوروزی	اسلامی	فارسان	۱۳۸۳	پیگردی تونل پیر غار	۲۱
علی اصغر نوروزی	پیش از تاریخ	شهرکرد	۱۳۸۴	گمانه‌زنی و لایه‌نگاری تپه سراب	۲۲
علی اصغر نوروزی	اسلامی	شهرکرد	۱۳۸۴	گمانه زنی تپه گورابی	۲۳
جعفر مهرکیان	اسلامی	جونقان	۱۳۸۴	فصل سوم کاوش خانوی	۲۴

منابع:

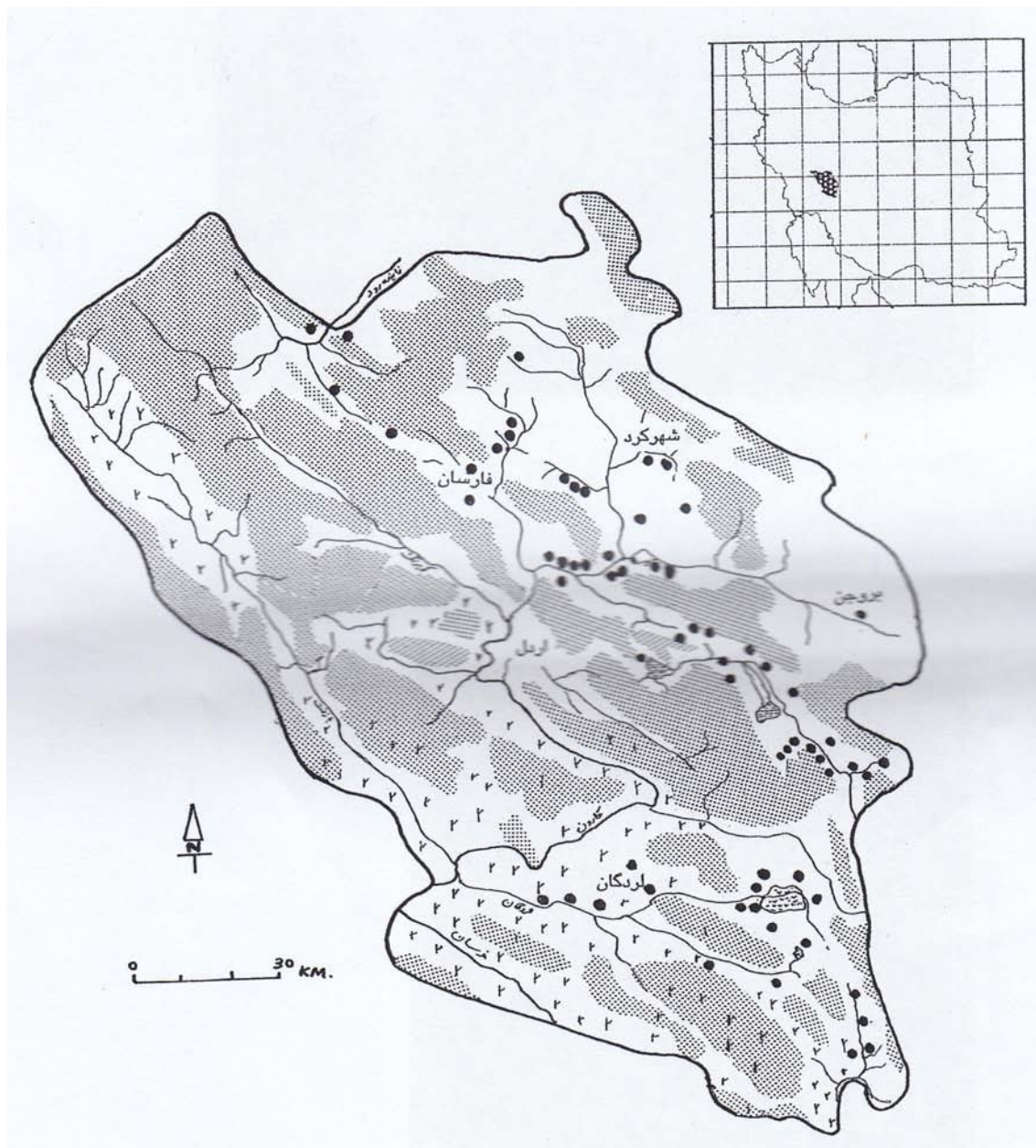
- امیری، مهرباب (۱۳۷۱) سیری در قلمرو عشایر بومی خوزستان؛ گزارشهای منتشر نشده‌ای از سر اوستین لایارد، فرهنگسرا، تهران.
 علی‌زاده، عباس (۱۳۷۱) «بازتاب نقش جغرافیایی، زیست محیطی و اقتصادی در تحولات جنوب باختری ایران (از پیش از اسلام تا اسلام)»، مجله اثر، شماره ۲۱؛ صص ۲۹-۴۷.
- (۱۳۸۱) منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، ترجمه کوروش روستایی، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد.
- گارنویت، جن (۱۳۷۵) تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، نشر آزان، تهران.
 لایارد، هنری اوستین (۱۳۶۷) سفرنامه لایارد، ترجمه مهرباب امیری، وحید، تهران.
 لسترنج، گوی (۱۳۶۷) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت‌های شرقی، ترجمه محمد عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۳۷۵) «نگارکند نویافته الیمایی «شیرینو»، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۵؛ صص ۵۴-۵۹.
- نوروزی، علی‌اصغر (۱۳۷۴) باستان‌شناسی پیش از تاریخ چهارم‌حال و بختیاری، رساله کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۸) «تحولات شهرنشینی در چهارم‌حال و بختیاری»، فصلنامه بام ایران، شماره ۱، صص ۱۵-۱۲، شهرکرد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۸۰) گزارش گمانه‌زنی محوطه باستانی بند بست بلادجی، منتشر نشده، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- (۱۳۸۲) "محوطه نویافته ایلامی، فراتر از مرزهای شناخته شده ایلام"، مجله نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره ۳؛ صص ۷۵-۸۲
- هول، فرانک (۱۳۷۸) «جنبه‌های بین منطقه‌ای دوران نوسنگی پیش از سفال خوزستان»، ترجمه محمد تمدن، باستان‌شناسی و هنر ایران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- (۱۳۸۱) باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- Nissen, Hans J and Allen Zagarell . (1975) "Expedition to the Zagros Mountains , " *Proceeding of the IVth Annual Symposium of Archaeological Research in iran, 159-89. Tehran, 1975.*
- Potts, D.T. (1999) *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State.* Cambridge University Press .
- Wright H.T and Y.kossary (1979) "Archaeological Investigation in Northeastern Xuzestan." *Technical report, no 10, pp.1-18.*
- Zagarell, Allen (1975) "An Archaeological Survey in the North-east Baxtiari Mountains." *Proceeding of the IIIrd. Annual Symposium of Archaeological Research in iran. 23-30, Tehran.*
- (1982) *The Prehistory of the Northeast Bahtiari Mountains, Iran: The Rise of Highland Way of Life. Beihefte Zum Tubinger Atlas des Vordern Orients. Riehe B, No 42, Weisbaden.*



نقشه شماره یک: موقعیت حوضه آبخیز کارون شمالی



نقشه شماره ۲: پراکنده‌گی محوطه‌های دوره نوسنگی چهارم‌میل و بختیاری



نقشه شماره ۳: پراکندگی محوطه‌های مس سنگی میانه چهارمحال بختیاری



تصویر ۱: تپه باستانی قلعه گلی لردگان



تصویر ۲: ابزار سنگی غار گندمکار



تصویر ۳: سفال منقوش نوسنگی تپه قلعه رستم



تصویر ۴: آجر نوشته ایلامی هوته لوتوش اینشوشیناک